



گفت و گو با محمد زالی، معاون تبلیغات ستاد روحانی در گیلان

## بازگشت عزت ملی به ایرانیان

ستادهای دکتر حسن روحانی در گیلان گشایش یافته اند و هر کدام برنامه های مختلفی را پشت سر می گذارند. در روزهای اخیر شور و شوق انتخاباتی در بین مردم بیشتر شده است و اصلاح طلبان استان گیلان هم می کوشند با مجموعه سخنرانی ها و برنامه هایی که در این راستا دارند به تبیین ضرورت اهمیت مردم در انتخابات بپردازند که نشان گر اهمیت موضوع تبلیغات و اطلاع رسانی برای ستاد نامزدی است که در چهار سال حضور به عنوان رئیس جمهور مورد بی مهری رسانه ملی قرار گرفته است و نیازمند تلاش بیشتر برای انعکاس دستاوردهایش است. در این راستا با محمد زالی معاون تبلیغات و اطلاع رسانی ستاد روحانی در گیلان گفت و گو کرده ایم که در ادامه آمده است.

توسعه یافته می بینیم اگر ملت در صحنه حضور نداشته باشند و اقشار و صنوف مختلف حق خود را مطالبه نکنند ممکن است قدرت مستبد تشکیل شود در کشورهای توسعه یافته به علت بیداری مردم و حضور سندیکاها و مختلف اعم از صنفی و سیاسی دولت نمی تواند در جهت تضییع حقوق ملت گام بردارد.

ما فکر می کنیم که بدون توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی اتفاق نخواهد افتاد. اگر روزنامه و تلویزیون آزاد نداشته باشیم در اقتصاد چپاول و رانت خواری اتفاق خواهد افتاد و اگر پرسشگر نباشیم و احزاب آزاد نداشته باشیم صاحبان قدرت اقتصاد را در دست خواهند گرفت. تا نظارت بر اقتصاد نباشد اقتصاد سالم شکل نخواهد گرفت و اگر حقوق شهروندی نداشته باشیم اقتصاد پویا و توزیع عادلانه ثروت شکل نخواهد گرفت.

**برخی از کسانی که به آقای روحانی در سال ۹۲ رای داده بودند معتقدند دولت توانسته در برخورد با نیروهای خودساز عملگرا اقدام کند.**

ادعا نداریم که همه مسائل ایران را در ۴ سال بتوان حل کرد، دولت روحانی نمی تواند ۳ میلیون کارمند را که در سیستم کار می کردند را بیرون کند و آدم های خودش را بگذارد. ما حرفمان این نیست که در حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق اجتماعی و روابط بین الملل همه مسائل حل کردیم. اگر در دولت ۴ ساله همه مسائل حل میشد دیگر به بعد نیاز نبود. ادعای ما این است که با توجه به منابعی که در اختیار داریم یک دولت تا حدی از امور را در حوزه های مختلف می تواند سامان دهد. در مقایسه با دولت های ۴ ساله، دولت روحانی بهترین عملکرد ممکن را داشت. باید این موضوع را در نظر بگیریم که دولت چه مقدار از قدرت را در دست داشته، تفاوت قدرت گروه های فشار را تا قبل از ۹۲ و الان مقایسه کنید. مثال انتخابات شورای شهر رشت و فشاری که بخشی از نیروهای خودساز با فشار خواستند افراد قابل و با ریشه و اصلاح طلب را حذف کنند و امروز آنها را به فساد متهم می کنند که هیچ سند قانونی حتی از سوی دستگاه های قضایی ندارند.

**دولت روحانی در صورت پیروزی در انتخابات چقدر می تواند از حقوق شهروندی را محقق کند؟**

در این دولت این گونه نبود که از روز اول تحریم ها برداشته شود. دو سال و نیم از چهار سال عمر دولت درگیر مسائل روابط بین الملل و مذاکرات هسته ای بود.

مدتها است که دولت نفسی کشیده و فضا آرامتر شده تا دولت بتواند به مسائل دیگر بپردازد.

در یک سال اخیر با اینکه گام هایی برداشته شده کافی نیست؛ ولی قطعا در دولت دوم آقای روحانی پرشتاب تر دنبال می شود.

**یکی از سوالات همیشگی شهروندان در خصوص برجام است**

بعضی ها می گویند برجام هیچ کاری نکرد؛ بلکه برجام شق القمر نکرده ولی برجام توانست فروش ۸۰۰ هزار بشکه نفت را به فروش ۳ میلیون بشکه نفت برساند. برجام بازار سرمایه گذاری خارجی را برای ایران فراهم کرد، البته وقتی سفارت را می بسوزانید سرعت سرمایه گذاری و میزان گردشگر خارجی کاهش پیدا می کند.

متأسفانه جناح رقیب تنها به خاطر آن که حرف خود را به کرسی بنشانند و در مسیر موفقیت دولت سنگ اندازی کند، انوبوس های حامل این نمایندگان را محاصره کرد و از این راه در پی آن بود که امنیت ملی را خدشه دار کند و صنعت توریست را از چرخ بیندازد.

در تبلیغات انتخاباتی می بینیم که چه دروغ های بزرگی را به دولت نسبت می دهند. آدمهایی که ثروت هزاران میلیارد تومان تحت مدیریت آنان به فنا رفته؛ آدمهایی که هزاران نفر را در شهرداری تهران بدون دانش تحمیل کردند، آدمهایی که حقوق های نا به جا به افرادی میدهند که هیچ فایده ای برای سیستم شهرداری ندارند امروز آمدند و به دوربین زل زده اند دیگران را متهم می کنند که آنها به دوربین زل زده اند و دروغ می گویند. برای دیگران تعیین تکلیف می کنند که چه کسی به شما حق داده کاندیدا شوید؟ از نظر آنها تنها شهروند درجه اول حق دارد کاندیدا شود و شهروند درجه دو حتی حق ندارد نیم ساعت تریبون را در اختیار داشته باشد و ۸ سال تخریب را پاسخ بگوید.

### جریان اصلاحات حذف شدنی نیست

**در ۸ ساله دولت احمدی نژاد تحریم ها چه آثاری را متوجه کشور و مردم کرد؟**

تحریم ها آن قدر عزت جمهوری اسلامی را به بازی گرفته بود که ما مجبور بودیم به کسانی واصل شویم که شایسته ذات انقلاب ما نبودند. ما در زمان تحریم ها علاوه بر تحریم نفت از سوی بسیاری از کشورها، با مشکل عدم دریافت پول نفت پس از فروش آن نیز مواجه بودیم. برای مثال چین، پول نفت ما را در بنگاه های اقتصادی خودش ذخیره می کرد اما برای همین نگهداری هم از ما باج دریافت می کرد یا مثلاً در تجارت با هند با مجبور به دریافت اجناس بی کیفیت در برابر فروش نفت بودیم چون مملکت چاره ای نداشت. تحریم ها، زمینه ای منفعت طلبی کسانی شبیه بابک زنجانی بود. این تحریم ها هرچقدر برای مردم تنگناهای معیشتی ایجاد کرد برای عده ای که دلال اقتصادی بودند سکوی پرتاب و پلهی شانس بود. بنابراین با توجه به کارنامه ی جریان اصولگرایی، نمی توان انتظار مدیریتی قوی را از آن داشت. بی شک این جریان نیز دلسوز کشور و انقلاب است اما متأسفانه ما هر بار در دوره ی استقرار جریان اصولگرایی، شاهد عقب رفت کشور بوده ایم و پیشرفت چشمگیری صورت نگرفته است.

**توسعه سیاسی و اقتصادی چقدر مکمل یکدیگرند؟**

صاحبان قدرت عموماً به سمتی تلاش می کنند که قدرت را قبضه کنند و ثروت را به تنهایی در اختیار بگیرند. در جهان امروز حتی در کشورهای

بی اعتمادتر شوند. در هشت سال مورد اشاره، کشور شاهد بیشترین نرخ فساد و فحشا و فقر بوده و به راحتی نمی توانستیم همه ی این مصائب را نادیده بگیریم و کشور در هشت ساله ی دولت نهم و دهم به جای آن که ۲۰ سال به سمت جلو حرکت کند، ۲۰ سال عقب رفت. در دولت نهم و دهم، مجموعه اقداماتی که در زمینه ی سیاست خارجی صورت گرفت موجب لکه دار شدن عزت نفس عمومی شد. او همچنین با اشاره به روابط دیپلماتیک ایران در آن دوره افزود: ما در آن دوره ی سواد دیپلماتیک نداشتیم، توان مذاکره نداشتیم و همین ها بود که سبب انزوا ی ملت ایران در مواجهه با جهان می شد.

**در این شرایط دولت روحانی چقدر توانست دیدگاهها را تغییر دهد؟**

دولت روحانی با افزایش تولید ملی و کاهش ناخالصی ملی به جای پرداخت یارانه های ناچیز سعی کرد تا مشکل فقر و بیکاری را به صورت بنیادین و در چارچوب برنامه های بلندمدت حل کند، نه اقدامات کوتاه مدت. پرداخت یارانه ها اگرچه طرح خوبی بود اما تنها تاکید به پرداخت آن، هرچه بیشتر کشور را به سمت تکدی گری سوق می داد که این شایسته ی نظام نیست. دولت روحانی با تزریق عزت نفس و خودباوری به مردم، سعی کرد تا این حقیقت را به مردم بیاوراند که آن ها، نیروی مولد اقتصادی و اصلی ترین مهره ی چرخه ی اقتصادی کشور هستند و از این راه تلاش کرد تا عزت نفس عمومی به جامعه بازگردد.

**تلاش شما برای آگاه سازی مردم در این فضا چیست؟**

جریان رقیب، بدون در نظر گرفتن انصاف و تنها برای تخریب و سنگ اندازی در مسیر حرکت دولت، به اشاعه ی شایعاتی می پردازد که صحت ندارند. اما امروز دیگر مردم ما آگاه هستند و دیگر نمی توان مردم را با دادن آمارهای دروغین فریب داد. مردم ما ثابت کرده اند که مردمی هوشیار و آگاه هستند کما اینکه در همین انتخابات مجلس دهم شاهد آن بودیم که با هوشیاری مردم تهران، لیست محکمی بر هوشیاری و فریب نخوردن مردم است. هر یک از مردم ما اندیشمندانی مهم هستند و با تکیه بر خدا جامعه آن قدر اندیشمند و روشنفکر دارد که بار دیگر نخواهد به ورطه ی خطرناک کشیده شود.

**اکنون بحث هایی در مورد آمار اشتغال آقای روحانی مطرح است.**

سخن آقای روحانی، سخن کاملاً درستی بود. ایشان قول ایجاد ۴ میلیون شغل را ندادند بلکه عنوان کردند اگر ما کاری کنیم که صنعت توریست رونق بگیرد، چهار میلیون شغل ایجاد می شود. وقتی دولت تصمیم گرفت چرخه ی توریست را رونق ببخشد و چندین نفر از نماینده های آژانس جهانی برای برآورد صنعت توریست به ایران آمدند،

**آقای زالی مهمترین دلیل برای شرکت در انتخابات پیش رو چیست؟**

یکی از مهمترین دلایل و التزام های شرکت در انتخابات، تکلیفی دینی ماست که جدای از حق شهروندی هرکدام از احاد جامعه، مکلف اند در انتخابات شرکت کنند. بنابراین مردم ما باید از این فرصت استفاده کنند تا با هوشمندی تمام بتوانند علاوه بر ادا کردن حقوق شهروندی، تکلیف دینی خود را نیز به انجام برسانند.

**به نظر شما چرا رقبای انتخاباتی سعی می کنند از موفقیت های جریان اصلاح طلبی استفاده ابزاری کنند؟**

اکنون که جریان اصلاحات بازم در صدد بلند شدن و عزت کسب کردن است، شاهد آن هستیم که رقیبان و منتقدان این جریان، ضمن انتساب تهمت های ناروا و نادیده گرفتن موفقیت های این جریان، از برنامه ها و موفقیت های اصلاحات سوء استفاده کرده و آن ها را منتسب به زمان خود می دانند. اما اصلاحات، جریانی نیست که به سادگی بتوان با انتساب دروغ و تهمت به آن، ریشه داری اش را زیر سوال برد. عده ای به جریان اصلاحات، انگ منافق بودن و بیرون نظام بودن می زنند و در پی آن هستند که تلاش های یک جریان ریشه دار نظام اسلامی را برای عزت ایران نادیده بگیرند در حالی که نمی دانند مردم ما و فرزندان این جریان برای این نظام خون داده اند و متعهد به وجود آن اند.

از این رو استفاده ی جریان مقابل از موفقیت های اصلاحات، برای این جریان پیروزی محسوب می شود، این اتفاق یعنی آن که رقیب فهمیده گفتمان اصلاح طلبی راه درستی را رفته است. اما همچنان در ظاهر حاضر به پذیرش آن نیستند.

### رقبای روحانی امپراتوری دروغ راه انداخته اند

**یکی از سوالات مردم این است که ما چه تغییراتی را در دولت روحانی نسبت به دوره قبل مشاهده کردیم؟**

با نگاهی به کارنامه ی دولت های هفتم و هشتم درمی یابیم که در این هشت ساله، کشور ما چه موفقیت های بی سابقه ای در زمینه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برداشت. طرح گفتگوی تمدن ها، عزت مملکت و انقلاب ما را در مجامع بین المللی بالا برد و سبب شد که جهانیان به چشم دیگری به ما نگاه کنند. البته قطعاً ضعف هایی هم بوده و نمی توان این امر را کتمان کرد اما باید متصفانه عملکرد این دولت را ستجید.

اما متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که حاکمیت از موفقیت های این جریان عزتمند و دلسوز نظام به درستی استفاده نمی کند. سند چشم انداز ۲۰ ساله ای که در این دولت امضا شد، سند محکمی بر پیشرفت کشور بود و با استناد به آن به درستی می توانستیم سرمایه های فرهنگی و نیروی انسانی را شکوفا کنیم.

دولت هشت ساله ی آقای احمدی نژاد علاوه بر آن که به شدت از ضعف مدیریتی رنج می برد، هویت ملی و اسلامی ایران را هم زیر سوال برد. روابط بین الملل ما در این دولت به شدت افت کرد و این به ضرر ما بود؛ این به ضرر کشور ما بود که نماینده ی شخصیت چندین میلیون ایرانی در صحن سازمان ملل سخنرانی کند و بیشتر جمعیت سالن، آن مکان را ترک کنند.

اقدامات اقتصادی دولت نهم و دهم تورم را به بازی گرفت و موجب کاهش صندوق ذخیره ی ارزی شد. دولت احمدی نژاد کاری نکرد که اعتماد مردم از نظام سلب شود و مردم روز به روز

## اعتدال گرایی در واقع همان اصلاح طلبی است

سروش اکبرزاده

قائم مقام ستاد انتخاباتی روحانی در گیلان



پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در هنگامه دفاع مقدس در برابر جریان چپ خط امامی که تاکیدش بر عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و اقتصاد کنترل شده و دولتی بود جریان راست سنتی شکل گرفت که به کنترل اقتصاد توسط دولت عنایتی نداشت. لیکن بر اساس تفکر سنتی خود، حجره و تیمچه و در کلیت بازار را عامل تعیین کننده اصلی در اقتصاد میدانست! پرچمدار این جریان در آن زمان مرحوم آیه الله آذری قمی بود که نظرات او و همفکرانش در روزنامه رسالت منعکس می شد.

تنها حزب اصلی حامی این تفکر هم جمعیت موفله اسلامی بود. مجاهدین انقلاب اسلامی و اکثریت چهره های برجسته حزب جمهوری اسلامی در ابتدای انقلاب در صف بندی مقابل یعنی چپ سنتی بودند و هم نسلان من که در بطن این وقایع و تاریخ زیسته اند می دانند که علت انشعاب در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و انحلال حزب جمهوری اسلامی هم ریشه در همین تفاوت دیدگاهها داشته است. همچنین انشعاب در جامعه روحانیت مبارز و شکل گیری مجمع روحانیون مبارز و به تبع آن مجمع مدرسین حوزه علمیه قم را نیز می بایست از تبعات همین دوگانگی دیدگاه اقتصادی قلمداد کرد. با عبور از دوران دفاع مقدس و انقلابی گری در کنار جریان راست سنتی، راست مدرن پدیدار گشت که نماد آن دولت سازندگی بود. دولت مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی که روزگاری خطبه های عدالت اجتماعی او، تفکرات اقتصادی جریان چپ را تئوریزه می کرد، آرام آرام در دوره استقرار نظام راه بسوی اقتصاد آزاد طی کرد و دقیقاً تفاوت اصلی جریان راست سنتی و راست مدرن در همین امر یعنی تاکید بر اقتصاد سنتی بازار توسط جریان نخستین و اقتصاد آزاد و نوعی از لیبرالیسم اقتصادی توسط دولت سازندگی بود.

البته هیچیک از این جریانهای سه گانه اعم از چپ سنتی، راست سنتی و راست مدرن هنوز دموکراتیزه نشده بودند و اعتقاد چندانی به آزادیهای سیاسی - اجتماعی نداشتند و تنها تزریق دوز مشخصی از آگاهی را به جامعه قابل قبول می دانستند. چهره هایی که پس از دوم خرداد ۷۶ برای دموکراتیزه کردن جامعه نقش آفرینی کردند نظیر وزری کشور و ارشاد دولت اصلاحات در آن مقطع زمانی در زمین و حوزه سیاسی راست مدرن توپ می زدند و خود بدنبال حذف مخالفان فکری و رقبای سیاسی بودند. وی در ادامه گفت: در این مقطع زمانی اتفاقی اساسی رخ داد و بخشی از نیروهای اندیشه ورز جریان چپ سنتی با ارتزاق «روشنفکری» از حوزه روشنگری دینی و پرورش در حلقه فکری دکتر عبدالکریم سروش اندک اندک تحت تاثیر اندیشه های مدرن و فلسفه غرب خاصه فلسفه سیاسی آن، دموکراسی خواه شدند. بنده دوم خرداد را دست آورد همین امر تلقی میکنم و تاکید بر توسعه سیاسی، فرهنگی در دولت آقای خاتمی را معلول همین اتفاق مبارک می دانم.

البته چون آزادی خواهی در حوزه سیاسی - فرهنگی به باور من ملازم اعتقاد به آزادی در حوزه اقتصاد است لذا جریان چپ ناگزیر نوعی از پوست اندازی فکری را تجربه کرد و از آن مبانی نخستین اقتصاد بسته به اقتصاد آزاد گذر کرد. البته هیچگاه تمامی جریان چپ سنتی بدین راه نرفتند و هنوز هم رگه هایی از اعتقاد به اقتصاد کنترل شده در ارکان طیف های مختلف جریان چپ قدیم و حتی اصلاح طلبان به چشم می خورد پس شاکله اصلی جریان چپ مدرن با مشخصه لیبرالیسم سیاسی - اقتصادی شناخته شد و در این زمان یعنی پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات دیگر آن تقسیم بندی گذشته «چپ و راست» چندان مبین مشخصه های جریانهای سیاسی نظام نبود. لذا با تغییر گفتمان از اصلاحات جدیدی برای تبیین این جریانها استفاده شد: اصلاح طلب و اصولگرا و از دوم خرداد تاکنون این دو اصطلاح همچنان مبین جریانهای اساسی سیاست در کشور هستند و به مرور تغییراتی به سمت عقلانیت بیشتر داشته اند که محل تاکید امروز ماست.

جریان اصلاح طلبی با کنار نهادن پاره ای از تندروی های گذشته در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به حمایت از دکتر حسن روحانی پرداخت و به این ترتیب اتحادی تاکتیکی با جریان اعتدال برقرار نمود. جریان اعتدال که در بدو پیروزی هنوز تئوریزه نشده بود به مرور نشان داد که چیزی جز همان اصلاح طلبی و عقلانیت سیاسی نیست و به اعتقاد من اعتدال گرایی در واقع همان اصلاح طلبی است که در بستر زمان با عقلانیت بیشتر و کنار نهادن برخی تندروها تجلی نوینی پیدا نموده است.